



تحلیل روایی داستان حضرت مریم(س) در قرآن کریم و عهدین بر پایه روش گریماس

مرتضی عرب^۱، یدالله آقاعباسی^۲، معصومه سبک دست^۳

۱- استادیار دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر

۲- استادیار دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید باهنر، (نویسنده مسئول)

چکیده

قرآن کریم و عهدین نوعی متن زبانی به شمار می‌روند که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران در زمینه‌های مختلف قرار گرفته‌اند؛ این متون سرشار از روایاتی هستند که جهت انتقال معنا به کار رفته‌اند، لذا پژوهشگران حوزه روایت‌شناسی نیز از این قافله جانمانده و سعی داشته‌اند با نگاهی نو این روایات را مورد بررسی قرار دهند. علم روایت‌شناسی کمک می‌کند بتوان به جلوه‌های نوینی از روایت‌ها دست یافت، به این صورت که سعی دارد با استفاده از بررسی ساختار روایت‌ها به دستور زبان روایت دست یابد. گریماس از دانشمندان صاحب نظر علم روایت‌شناسی می‌باشد که نظریات وی بر پایه لانگ و دستور زبان روایت استوار است. وی معتقد است هر کنشگر روایت دارای یکی از شش نقشی است که در تقابل‌های دوگانه فرستنده-گیرنده، فاعل-مفعول و یاری‌کننده-بازدارنده قرار دارند. در این پژوهش داستان حضرت مریم(س) از قرآن کریم و عهدین انتخاب شده و با روش تحلیلی-توصیفی بر پایه نظریات گریماس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از این تحلیل نشان می‌دهد که داستان حضرت مریم هم در متن قرآن کریم و هم در عهدین از الگوی ارائه شده توسط گریماس پیروی می‌کند به این صورت که مشاهده می‌شود در قسمت‌های مختلف داستان پاره‌های ابتدایی، میانی، انتهایی، نیروهای تخریب‌کننده و سامان‌دهنده وجود دارند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، عهدین، تحلیل روایی، روایت، حضرت مریم، گریماس



۱) مقدمه

قرآن کریم و عهدین نوعی از متون زبانی به شمار می‌روند که از روایت‌ها در جهت رساندن مفاهیم خود به وفور استفاده کرده‌اند و پژوهشگران متعدد سعی دارند با بررسی این روایات معنایی آن‌ها را افزایش دهند و در این راستا از روش‌های مختلف مدد می‌جویند. علم روایت‌شناسی با هدف تحلیل ساختاری روایات در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، در این پژوهش سعی شده است داستان حضرت مریم در قرآن کریم و عهدین مورد تحلیل روایت‌شناسی قرار گرفته و جلوه‌های ساختاری آن به نمایش گذاشته شود.

پراپ از نخستین دانشمندان این علم به شمار می‌رود وی از کارکرد به عنوان کوچکترین واحد معنایی در روایت نام برد و با بررسی قصه‌های پریان ۳۱ کارکرد را معرفی کرد که در اغلب مشترک بودند.

انطباق کنشگرانی که پراپ مطرح کرده است در داستان‌های کتاب مقدس به دلیل وجود جزئیات بیشتر میسرتر از داستان‌های قرآن کریم می‌باشد که معمولاً به صورت مختصر و با حذف جزئیات مطرح شده‌اند و اصرار در استفاده از روش پراپ و یافتن همه کنشگرها ممکن است به داستان خدشه وارد کند (صالحی‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۲۷۱).

اشرفی و همکارانش نیز با بررسی سوره یوسف با روش پراپ به این نتیجه رسیدند که برخی از رخداد‌های داستان‌های قرآنی در کارکردهای پراپ قرار ندارند، در حالیکه بررسی باروش گریماس حاکی از این است که پیروی داستان‌های قرآنی از روش وی دارای هماهنگی بیشتری است (اشرفی و همکاران، ۱۳۹۴).

گریماس از صاحب‌نظران علم روایت‌شناسی می‌باشد که نظریه خود را با هدف تعمیم‌پذیری بیشتر نسبت به روش پراپ مطرح کرد و نسبت به آن موفق‌تر عمل کرد، همین امر سبب شده است تا در این پژوهش داستان حضرت مریم را با استفاده از روش گریماس مورد تحلیل قرار دهیم. در این پژوهش سعی شده است قسمت‌های مختلف داستان حضرت مریم در قرآن کریم و عهدین مورد تحلیل قرار گیرد و در هر یک از بخش‌ها عواملی که آرامش داستان را برهم می‌زنند و عواملی که این آرامش را به داستان برمی‌گردانند شناسایی شده و در کنار پاره‌های ابتدایی، میانی و انتهایی داستان قرار گرفته و روند داستان به صورت نمودارهای پله‌ای به نمایش گذاشته شود.

شماری از پژوهش‌های انجام شده در این راستا عبارتند از: "تحلیل روایت شناختی سوره نوح بر مبنای دیدگاه بارت و ژنت" (ترکمانی و همکاران، ۱۳۹۶)، "تجزیه و تحلیل داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم براساس نظریه پراپ و گریماس" (اشرفی و همکاران، ۱۳۹۴)، "بررسی تطبیقی سطوح روایت و عناصر آن در قصص سوره کهف" (سقایان و همکاران، ۱۳۹۵)، "تحلیل ساختار روایی داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا بر پایه الگوی روایی گریماس" (صدقی و همکاران، ۱۳۹۵)

و ...



4th International Conference on Language, Literature, History and Civilization

COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Avicenna International Community College LLC CINVU

Holding time: September 15, 2020

Tbilisi - Georgia

در این پژوهش در پی این هستیم که داستان حضرت مریم(س) را در متن قرآن کریم و عهدین با استفاده از روش گریماس تحلیل کرده و نمودارهای مربوط به بخش‌های مختلف را رسم نموده و در نهایت به این نتیجه برسیم که آیا این داستان از الگوی گریماس پیروی می‌کند؟



۲) چهار چوب نظری

می‌توان روایت را به این صورت تعریف کرد: «روایت عبارت است از بازنمایی دست کم دو رویداد یا موقعیت در یک گستره زمانی معین که هیچکدام پیش فرض یا پیامد دیگری نباشد». در همین راستا روایت شناسی مطالعه شکل و کارکرد روایت است که هر چند اصطلاح جدیدی است ولی قدمت آن به افلاطون و ارسطو بازمی‌گردد (شهباز، ۱۳۹۵، ص ۱۰).

با این حال یا کوبسن بارها این مطلب را مطرح کرد که "روایت شناسی به معنای دقیق واژه با کتاب پراپ آغاز شده است" و این مطلب را بارها تأکید کرده است؛ این امر با کتاب پراپ از دهه ۱۹۵۰ آغاز شد که نقش پررنگی بر نظام فکری ساختارگرایان داشت. روش پراپ به این تفکر که می‌توان ساختار نهایی روایت را یافت رنگ واقعیت داد هر چند در گام‌های نخست دشوار به نظر می‌رسید. در روش پراپ به کنش‌ها شبیه ترکیبات ریاضی نگاه میشد هر چند در آثار گریماس و برمون این شکل تغییر یافت (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۷).

پراپ رخدادهای اساسی هر روایت می‌دانست و از نام کارکرد برای آن استفاده می‌کرد، وی سعی می‌کرد رخدادهای اساسی هر روایت را پیدا کند. او با تحلیل قصه‌های پریان به این نتیجه رسید هر چند روایت‌ها متفاوت هستند ولی کارکردهای نسبتاً مشابهی دارند و از مجموع آن‌ها ۳۱ کارکرد را لیست کرد.

این کارکردها عبارتند از: صحنه آغازین (α)، غیبت (β)، نهی (γ)، نقض نهی (δ)، خبرگیری (ϵ)، خبردهی (ζ)، فریبکاری (η)، همدستی (θ)، شرارت (A)، احساس نیاز (Θ)، میانجیگری یا اعلام مصیبت (b)، مقابله آغازین (C)، عزیمت (i)، نخستین خویشتن‌کاری بخشنده (D)، واکنش قهرمان (E)، تدارک یا دریافت شیء جادویی (F)، انتقال مکانی یا راهنمایی (G)، کشمکش (H)، داغ کردن یا نشان دادن گداختن (J)، پیروزی (I)، التیام مصیبت (K)، بازگشت (l)، تعقیب یا دنبال کردن (Pr)، رهایی (RS)، رسیدگی به ناشناختگی (O)، ادعاهای بی‌پایه (L)، کار دشوار (M)، حل مسئله (N)، شناختن (Q)، رسوایی (Ex)، تغییر شکل (T)، مجازات (U)، عروسی (W)، ربط دهنده (o)، انگیزه (Mot) (عباسی، ۱۳۹۵، ص ۵۷).

ساختارگرایان فراز سوی تمام تلاش خود را کردند که نهایت دگرگونی معنایی را ممکن می‌سازند، و از آن به "دگرسانی شکل" یاد کردند. لذا گریماس فهم ساختارهای بنیادین معناشناسیک را درک اشکال می‌داند و به همراه برمون سعی کرده‌اند که نسبت بین شکل و معنا را درک کنند (احمدی، ۱۳۸۰، صص ۱۶۱-۱۶۰).

۱-۲- ساختار روایت

گریماس با اعتقاد به اینکه باید از سطح روایت عبور کرد و به لایه‌های عمیق آن رسید از ساختارهای درونی صحبت کرد که می‌توانند قدرت معنایی را افزایش دهند (عباسی، ۱۳۹۵، ص ۶۰). در نگاه وی هر روایت قطعا آغاز و پایانی دارد هر چند گاهی خواننده گمان می‌کند روایت پایانی ندارد ولی این درک خواننده از روایت است که نسبت به پذیرش واقعیت مقاومت انجام می‌دهد در حالی که حقیقت روایت قطعا پایان دارد. لذا وجود آغاز و پایان برای روایت نشان می‌دهد روایت بدون



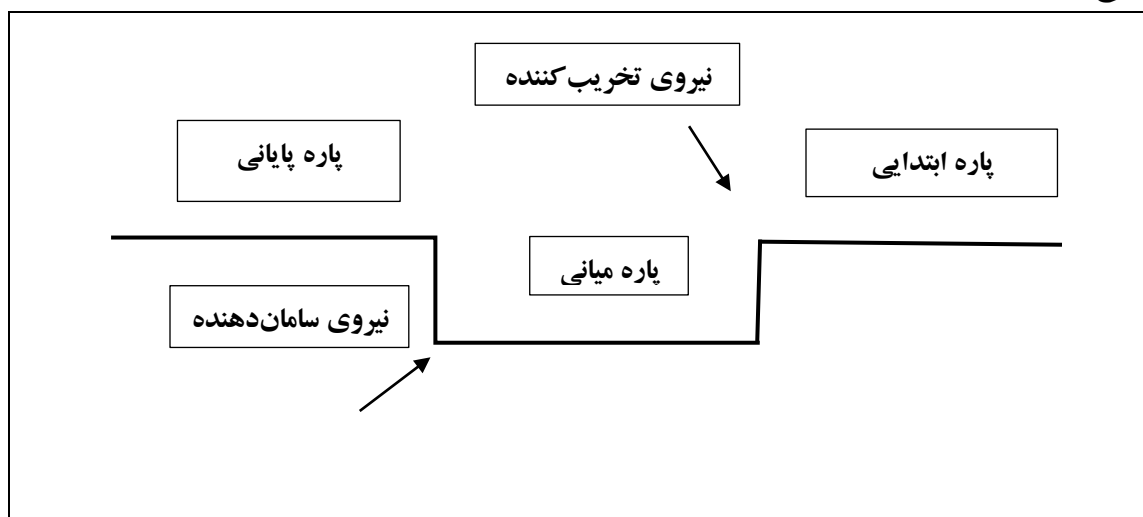
زمان معنا ندارد (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۴). در همین راستا گریماس و لاری وای سعی کردند با تعمیم نظریات پراپ یک مدل ساده و انتزاعی کنند که نقش زمان در آن مشهود باشد، از دیدگاه آن‌ها همه روایت‌ها ناچار به پیروی از یک ابرساختار هستند که به طرح پنج‌تایی مشهور شد و دارای پنج مرحله است. آن‌ها روایت را "تغییر و تحول از یک حالت به حالت دیگر" تعریف کردند لذا فارغ از پاره‌های ابتدایی و انتهایی روایت سه عنصر زیر را برای نمایش تغییر و تحول بیان کردند:

- ✓ عنصر تخریب‌کننده: عنصری که باعث تغییر و تحول از حالتی به حالت دیگر می‌شود.
- ✓ عنصر میانی: عنصری که تغییر و تحول را ایستا یا پویا می‌کند.
- ✓ عنصر سامان‌دهنده: عنصری که تغییر و تحول را خاتمه می‌دهد و او ضاع را به تعادل می‌رساند (عباسی، ۱۳۹۵، ص ۵۸).

۳۱ کارکرد پراپ در پنج سطح فوق یعنی پاره ابتدایی، نیروی تخریب‌کننده، پاره میانی، نیروی سامان‌دهنده و پاره انتهایی روایت قرار می‌گیرند که این پنج پاره در ستور زبان روایت یا لانگ روایت را تشکیل می‌دهند که در شکل ۱ آمده است (عباسی، ۱۳۹۵، ص ۷۷).

۲-۲- مدل کنشگران (نحو روایی)

گریماس روند داستان‌ها را اغلب حرکت از وضعیتی مثبت به وضعیتی منفی و گاه بالعکس می‌بیند لذا طرحی که ارائه می‌کند از ۶ واحد تشکیل شده است که با هم نسبت نحوی و معنایی دارند؛ این واحدها در تقابلی دوطرفه قرار دارند و عبارتند از فرستنده (تحریک‌کننده)، گیرنده (سود برنده)، موضوع (شیء ارزشی)، قهرمان (فاعل)، یاری‌کننده و بازدارنده. البته گریماس در این طرح اصراری بر وجود هر شش مورد در یک روایت ندارد (احمدی، ۱۳۸۰، صص ۱۶۳-۱۶۲).



شکل ۱: ساختار روایت در روش گریماس

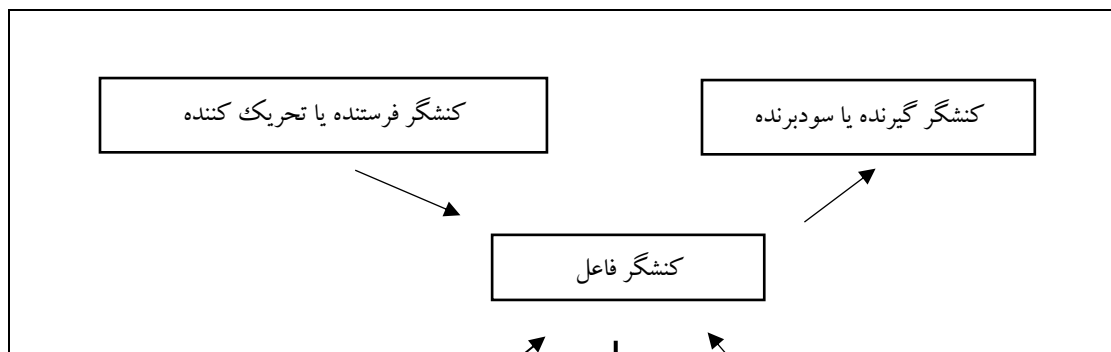


4th International Conference on Language, Literature History and Civilization

COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia

گرماس شخصیت‌های داستان را بر مبنای آنچه عملکردشان دست‌بندی کرده است نه آنچه که هستند و در نتیجه به آن‌ها الگوی کنش داده است و حضور آن‌ها را در سه جایگاه "فعل، فاعل و مفعول" بررسی کرده است (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۳).
 طرح وی که به مدل کنشگران یا نحو روایی معروف است در شکل ۲ نمایش داده شده است.



شکل ۲: مدل کنشگران در روش گریماس

واژه کنشگر که کنشگر بازدارنده، اعم از شخصیت داستان، کنشگر یاری کننده، شیء، گروه و ... که در روند داستان تاثیر دارد را شامل شود. هر یک از شیء ارزشی، گروه، دارای تقابل های دوطرفه تقسیم بندی شده اند که به این صورت هستند:

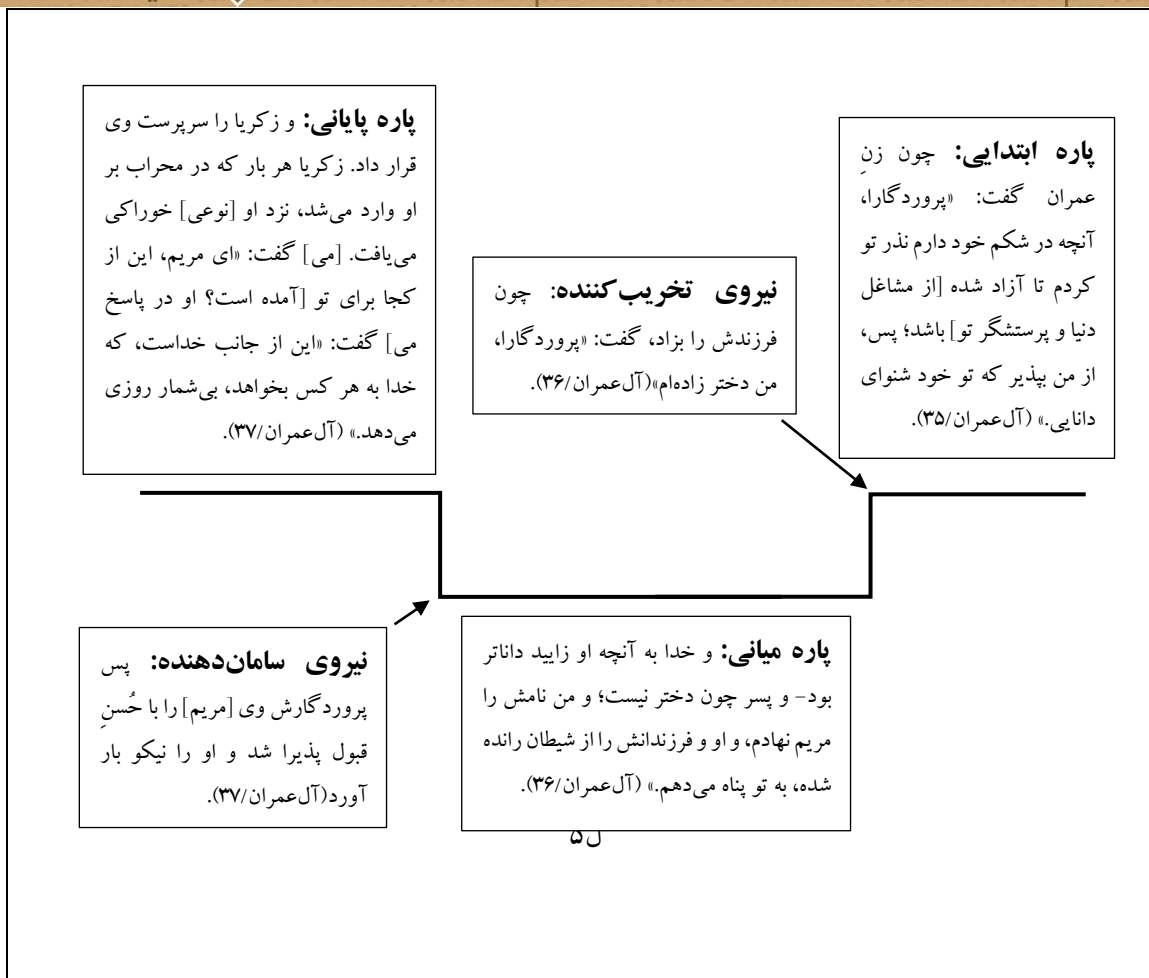
۱. کنشگر فرستنده یا تحریک کننده: کسی که دستور اجرای فرمان را به فاعل کنشگر می دهد.
۲. کنشگر گیرنده یا سودبرنده: کسی که از کنش فاعل کنشگر سود می برد.
۳. کنشگر فاعل (قهرمان داستان): کسی که در پی شیء ارزشی است و عمل می کند.
۴. شیء ارزشی (مفعول): هدف یا موضوع فاعل کنشگر
۵. کنشگر بازدارنده: کسی که مانع رسیدن فاعل کنشگر به شیء ارزشی می شود.
۶. کنشگر یاری کننده: کسی که به فاعل کنشگر در جهت رسیدن به شیء ارزشی کمک می کند (عباسی، ۱۳۹۵، صص ۶۸-۶۹).

(۳) تحلیل روایی داستان حضرت مریم (س)

در این بخش از پژوهش داستان حضرت مریم در قرآن کریم و عهدین مورد بررسی روایی قرار می گیرد و در هر قسمت نمودار مربوطه نمایش داده می شود.

۳-۱- تحلیل روایی داستان حضرت مریم (س) در قرآن کریم

داستان حضرت مریم (س) در قرآن کریم در دو سوره آل عمران و مریم مطرح شده است به این صورت که در آیات ۳۷-۳۵ سوره آل عمران داستان تولد حضرت مریم (س) روایت شده است که تحلیل روایی آن در شکل ۳ آمده است:



شکل ۳: تحلیل روایی تولد حضرت مریم (س)

در این روایت شخصیتی به نام زن عمران آبتسن است و آنچه را که در شکم دارد در راه خدا نذر می کند که پاره ابتدایی داستان است و سکون بر روایت حکم فرما می باشد اما با تولد فرزندش روند داستان دچار یک شکست می شود که از دختر بودن فرزند نشأت گرفته شده است و ادامه روایت نشان دهنده این است که برای ادای نذرش نیاز بوده است فرزندش پسر باشد. حال که فرزند دختر بوده است در پاره میانی زن عمران نام مریم را بر فرزند خود گذاشته و برای او و فرزندانش دعا می کند. برای پیروی این بخش از داستان از الگوی گریماس نیاز است نیروی سامان دهنده وضعیت بهم ریخته را به حالت تعادل و آرامش برگرداند، که با پذیرش مریم توسط خداوند در ادامه داستان و ادای نذر زن عمران داستان به حالت آرامش برمی گردد و این روایت از الگوی گریماس پیروی می کند.



روایت بعد که مربوط به حضرت مریم (س) می باشد به دوران جوانی مریم مربوط می شود که فرشتگان با وی صحبت می کنند و بشارت هایی را به وی می دهند که در آیات ۴۱-۴۸ سوره آل عمران آمده است و نمودار تحلیل روایی آن در شکل ۴ نمایش داده شده است:



شکل ۴: بشارت ملائکه به حضرت مریم (س)



این بخش از داستان نیز از الگوی گریماس پیروی می کند و بشارت تولد حضرت عیسی به مریم به عنوان نیروی تخریب کننده عمل کرده و روند آرامشی داستان را برهم می زند و در پاره میانی با واکنش مریم روبه رو می شویم ولی صحبت از قدرت خداوند توسط فرشته وحی نقش نیروی سامان دهنده را ایفا کرده و آرامش را به داستان برمی گرداند زیرا مریم به قدرت خداوند آگاه است.

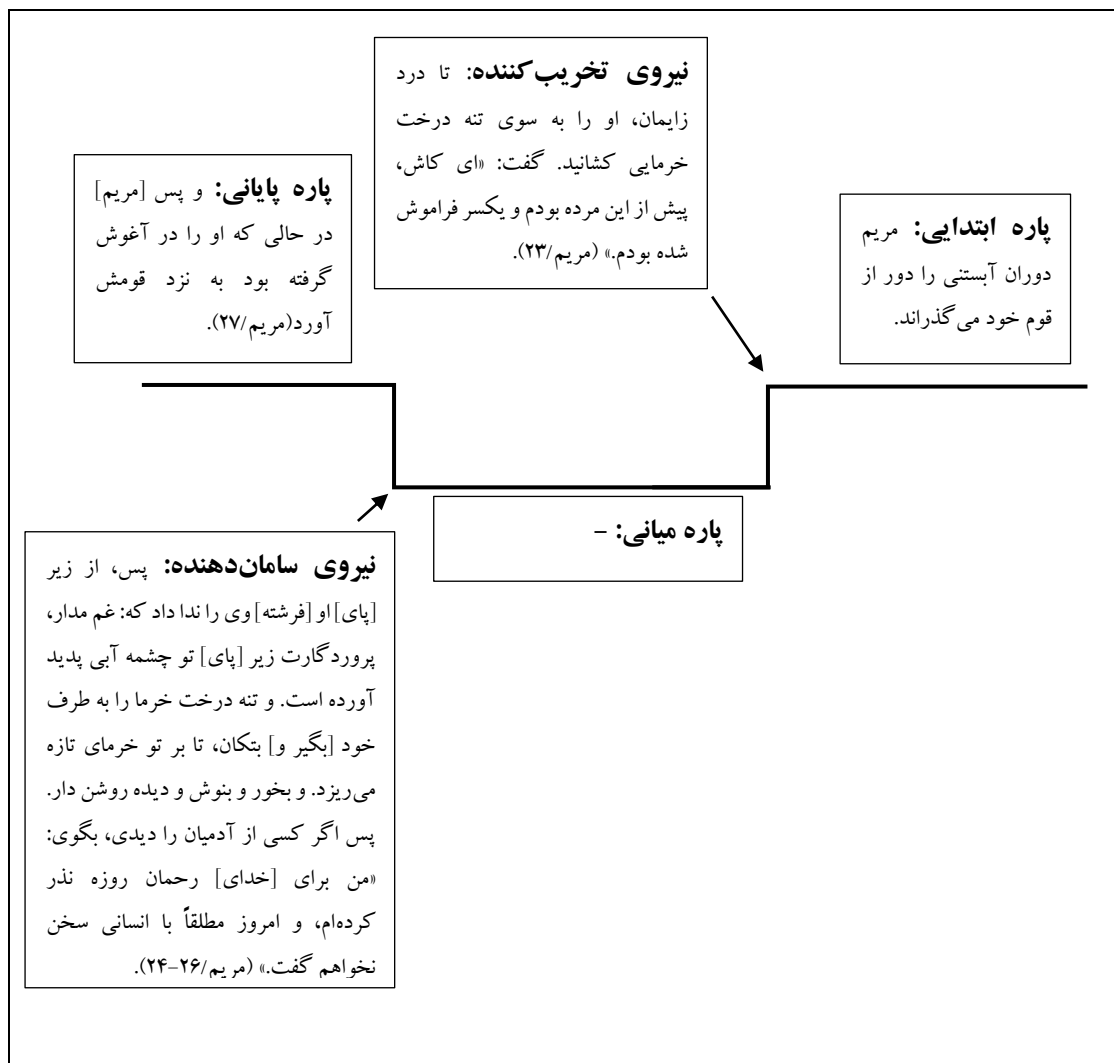
در این بخش از سوره آل عمران سخنی از دوران آبستنی مریم نشده است که جزئیات آن در آیات ۲۷-۱۶ سوره مریم ذکر شده است که تحلیل روایی آن در شکل های ۵ و ۶ آمده است:



شکل ۵: آبستن شدن حضرت مریم (س)



مریم هنگامی که از کنار قوم خود به گوشه‌ای می‌رود، مردی بر او وارد می‌شود و آرامش زندگی او را دچار گسست می‌کند، این تغییر روند داستان، مریم را وارد بخش میانی می‌کند که به گفت و گو با آن مرد می‌پردازد و ترس خود را از او بیان کرده و به خدا پناه می‌برد، آن مرد با بشارت پسر دار شدن مریم به وی همچنان داستان را در همین ناآرامی نگه می‌دارد و همچنان آشفستگی داستان ادامه دارد تا اینکه با به میان آمدن سخن از قدرت الهی این ناآرامی تمام شده و داستان به روند آرامش برمی‌گردد و همانگونه که مشاهده می‌شود این بخش از داستان حضرت مریم (س) نیز از الگوی گریماس پیروی می‌کند. حضرت مریم دوران آبستنی خود را به دور از قوم خود می‌گذراند و این بخش از داستان تا تولد حضرت عیسی (ع) در شکل ۶ آمده است:



شکل ۶: تولد حضرت عیسی (ع)



COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

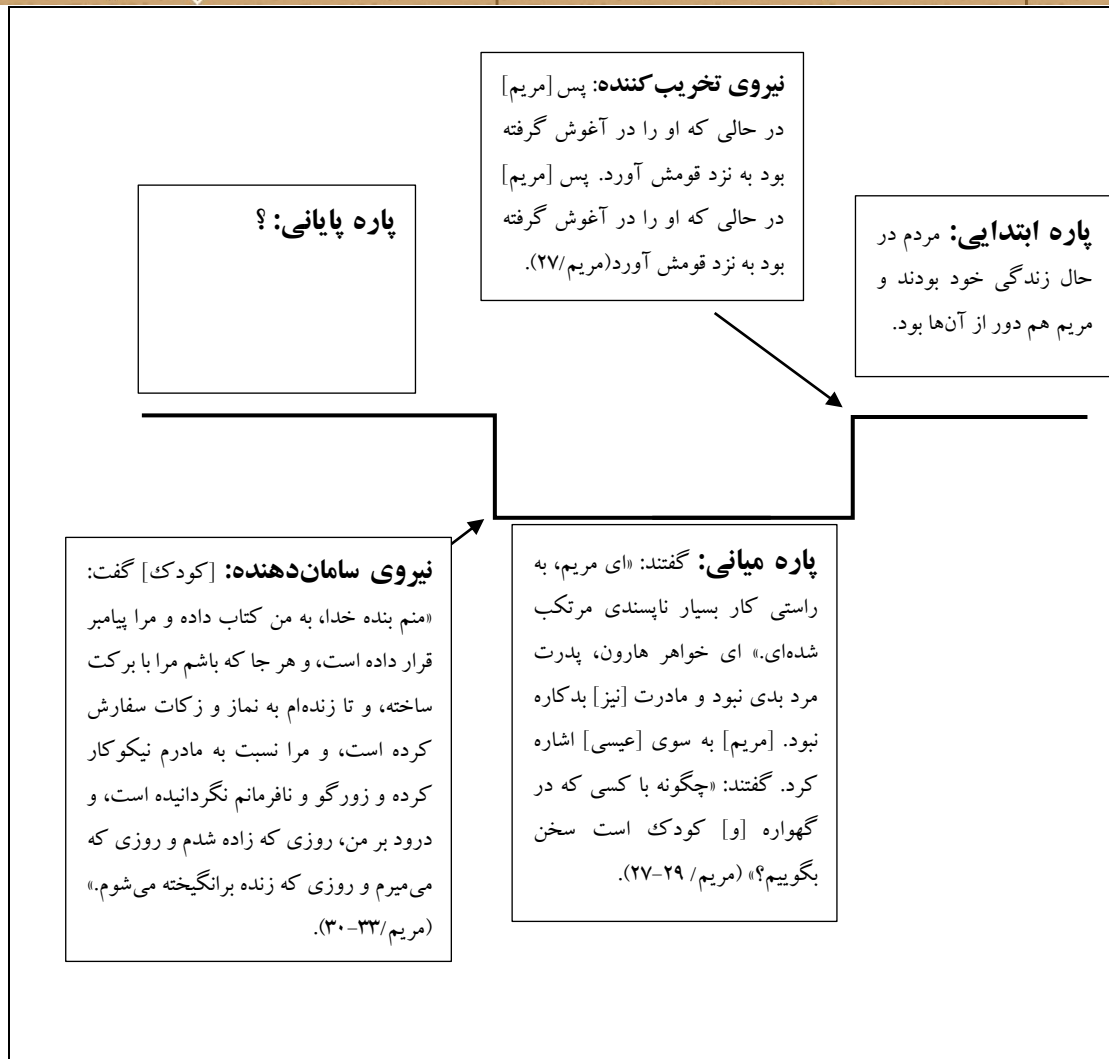
Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia

در این روایت درد زایمان به عنوان نیروی تخریب کننده روند داستان را دچار شکست کرده و در نتیجه مریم دچار سختی می‌شود. در اینجا پاره‌ی میانی حذف شده است که از قبل و بعد آن میتوان حدس زد که در این بخش از روایت حضرت مریم (س) با خدای خود به مناجات می‌پردازد و از او درخواست کمک می‌کند، و عنایت خداوند نقش نیروی سامان‌دهنده را ایفا کرده و برای او آب و غذا فراهم می‌کند و در نتیجه آشفته‌گی حضرت مریم (س) از بین می‌رود و حضرت عیسی (ع) به دنیا می‌آید لذا مشاهده می‌شود این بخش از داستان حضرت مریم (س) نیز از الگوی گریماس تخطی نمی‌کند.

بخش انتهایی داستان حضرت مریم (س) که در قرآن کریم آمده است مربوط به آیات ۲۷-۳۳ سوره مریم می‌باشد که روایی حضرت مریم (س) و فرزندش با قومش می‌باشد و گفت‌وگویی که بین آنها رخ می‌دهد.

در این روایت نیز مریم دور از قوم خود در حال زندگی بوده و قومش نیز به زندگی خود مشغول بودند که با رویارویی مریم و فرزندش که به همراه داشته است با قومش، داستان دچار گسست می‌شود. خداوند به حضرت مریم (س) دستور روزه سکوت داده بود که مریم نیز به آن عمل کرده و در برابر تعجب قومش و سخنان ایشان سکوت اختیار کرده و به طفل خود اشاره می‌کند. به زبان آمدن طفل شیرخوار و معرفی خود به عنوان پیامبر خداوند گسست داستان را جبران کرده و به حالت تعادل بر می‌گردد.

نموادار تحلیل روایی این بخش از داستان حضرت مریم (س) در شکل ۷ آمده است.

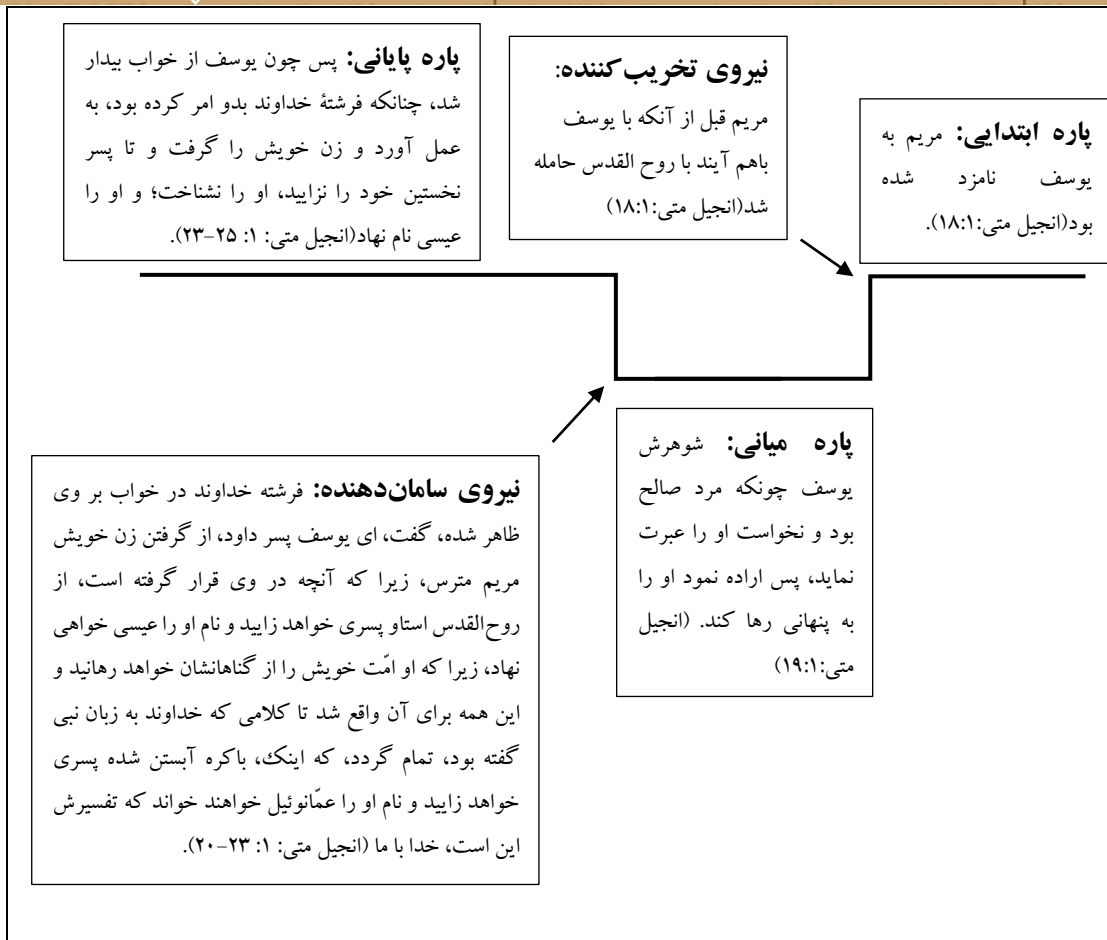


شکل ۷: رویارویی مردم و پسرش با قوم خود

۲-۳- تحلیل روایی داستان حضرت مریم در عهدین

داستان حضرت مریم (س) در انجیل متی و انجیل لوقا آمده است که بخش اولیۀ آن مربوط به نامزد حضرت مریم (س) که یوسف نام دارد می‌باشد، به این نحو که مریم قبل از اینکه با یوسف باهم آیند حامله می‌شود و همسر وی که مردی صالح بوده است می‌خواهد مریم را پنهانی رها کند که با خوابی که می‌بیند از این کار منصرف می‌شود.

تحلیل روایی این بخش از داستان حضرت مریم (س) در انجیل متی در شکل ۸ آمده است که روند پله‌ای آن به خوبی نشان می‌دهد که داستان شامل نیروی تخریب کننده و سامان دهنده است و در نتیجه از از الگوی گریماس پیروی می‌کند.



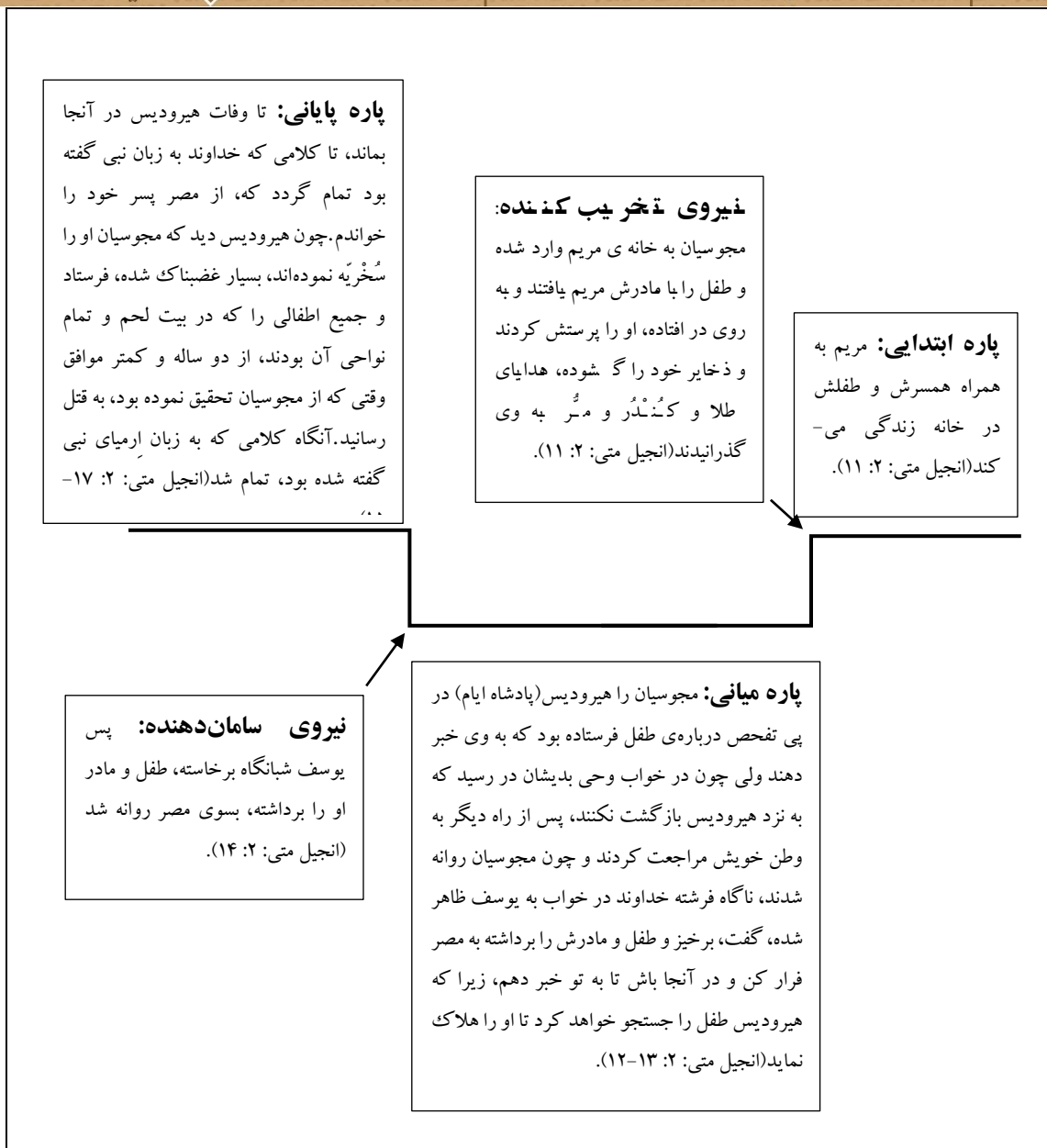
شکل ۸: برخورد های نامزد مریم با حامله بودن وی

بخش بعدی داستان حضرت مریم (س) مربوط به اتفاقات مجوسیان و هیروودیس (پادشاه) می باشد، به این صورت که مجوسیان با ورود خود به خانه حضرت مریم (س) و آوردن هدایا روند داستان را دچار گسست می کنند و خداوند در خواب به یوسف فرمان می دهد که به همراه خانواده اش از مصر فرار کنند چون هیروودیس در پی هلاکت حضرت عیسی می باشد که با فرار آنها به مصر روند داستان به حالت تعادل برمی گردد. تحلیل این روایت در شکل ۹ آمده است که نشان از پیروی از الگوی گریماس دارد.

4th International Conference on Language, Literature History and Civilization

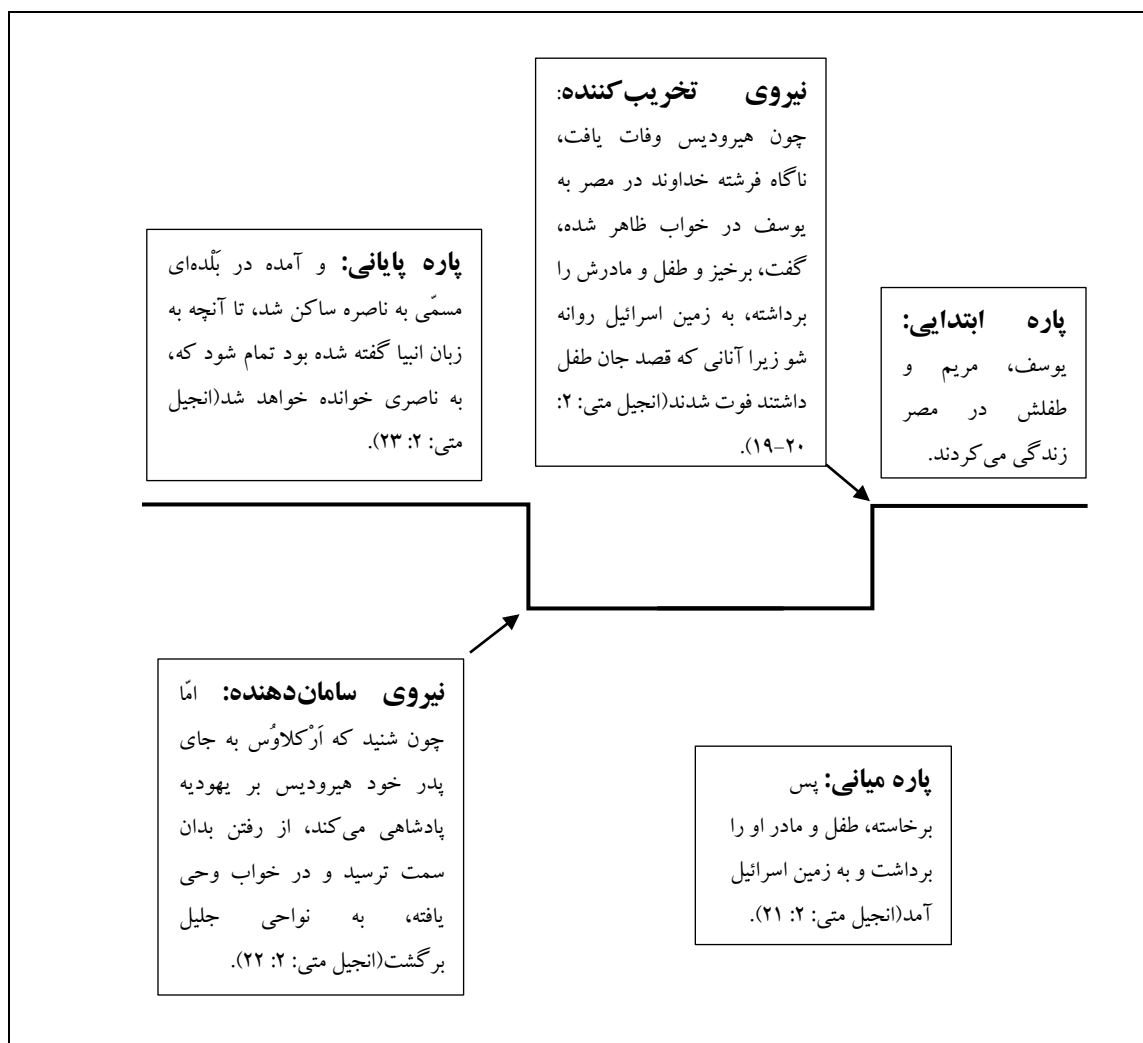
COMSTech Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Holding time: *September 15, 2020*
Tbilisi - Georgia



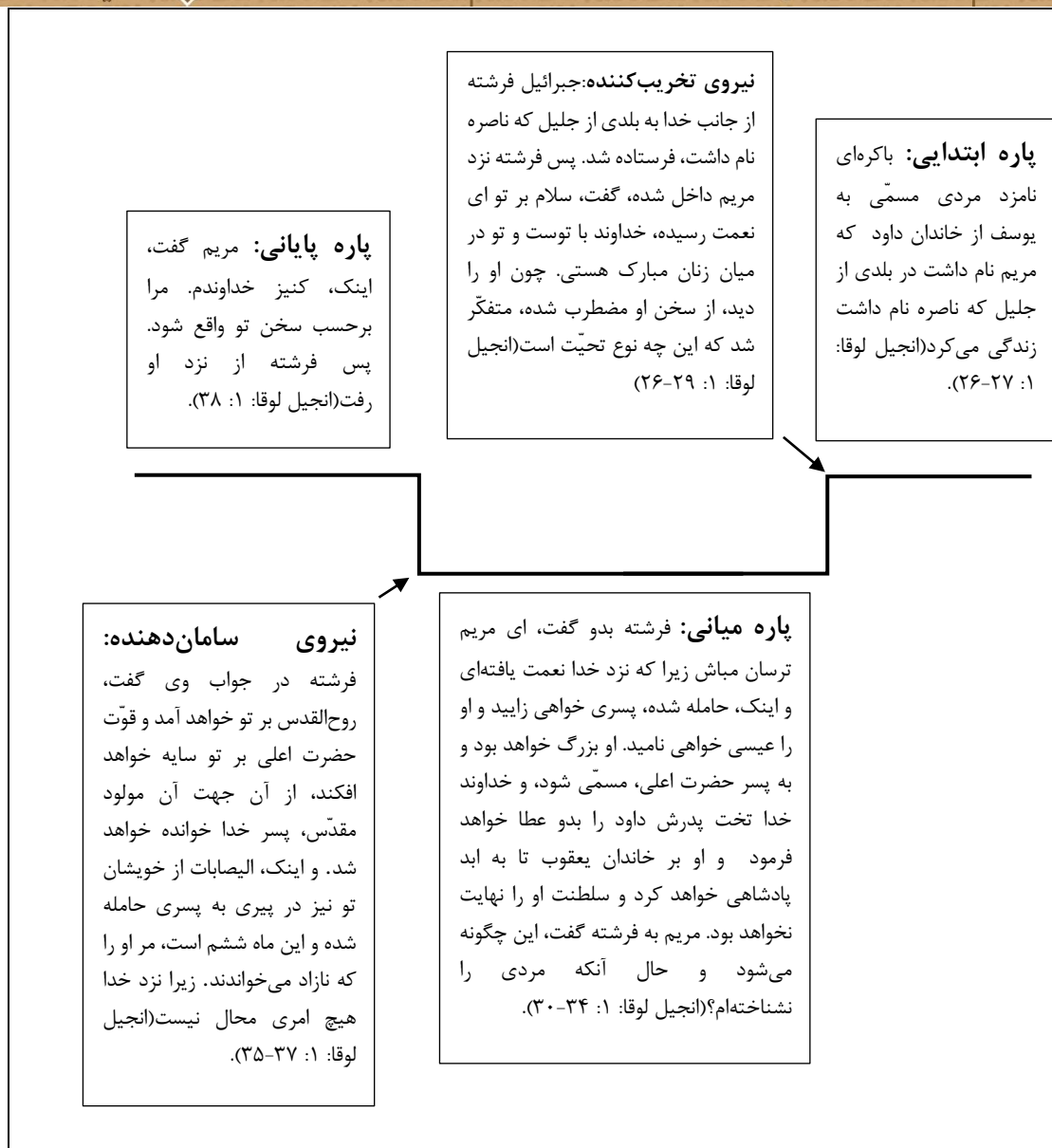
شکل ۹: اتفاقات مجوسیان و هیروдіس با حضرت مریم (س)

این بخش از داستان مربوط به مرگ هیروдіس و بازگشت حضرت مریم (س) از مصر می باشد که البته با خواب یوسف مقصد بازگشت تغییر می کند، تحلیل این روایت در شکل ۱۰ آمده است که نشان دهنده پیروی آن از الگوی گرماس است.



شکل ۱۰: بازگشت به مصر

قسمتی از داستان حضرت مریم(س) که در انجیل لوقا آمده است مربوط به رویارویی وی با جبرائیل می باشد که تحلیل روایی آن در شکل ۱۱ آمده است و از الگوی گریماس نیز پیروی می کند.



شکل ۱: رویارویی حضرت مریم (س) با جبرائیل



٤) نتیجه گیری و پیشنهادات

در قرن اخیر علم روایت‌شناسی مورد توجه واقع شده است و تلاش متخصصین این علم بر این است که برای روایت‌ها یک دستور زبان خاص بیابد که همه روایت‌ها بتوانند از آن پیروی کنند. در متون زبانی از روایت‌ها به عنوان یک ابزار قوی جهت انتقال مفاهیم استفاده می‌شود لذا تحلیل آن‌ها در جهت درک معنا حائز اهمیت می‌باشد. از آنجایی که قرآن کریم و عهدین متونی زبانی هستند به وفور از این تکنیک استفاده کرده‌اند. گریماس از دانشمندان مشهور این علم است که تلاش کرد برای روایت‌ها یک دستور زبان ارائه دهد که همه روایات از آن پیروی کنند و تا حدودی هم موفق عمل کرده است. وی اعتقاد دارد هر کنشگر روایت دارای یکی از شش نقشی است که در تقابل‌های دوگانه فرستنده-گیرنده، فاعل-مفعول و یاری‌کننده-بازدارنده قرار دارند. در این پژوهش داستان حضرت مریم(س) در قرآن کریم و عهدین با استفاده از روش گریماس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از این تحلیل نشان می‌دهد که همه بخش‌های این داستان در هر دو متن قرآن کریم و عهدین از الگوی ارائه شده توسط گریماس پیروی می‌کنند و پاره‌های مختلف الگو را شامل می‌شوند.

٥) پی نوشت

«إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (آل عمران/ ٣٥)
 «فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَدُرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (آل عمران/ ٣٦)

«فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكَ هَٰذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران/ ٣٧)

«وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران/ ٤٢)

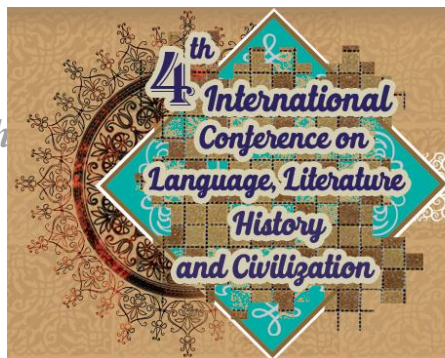
«يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل عمران/ ٤٣)

«ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَفَلَمَّ لَهُمْ آيُهُمْ يَكْفُلْ مَرْيَمَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ» (آل عمران/ ٤٤)

«إِذْ قَالَتِ الْمَلَكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (آل عمران/ ٤٥)

«وَ يُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا وَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران/ ٤٦)

«قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَ لَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَٰلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران/ ٤٧)



Holding time: September 15, 2020

Tbilisi - Georgia

«وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ» (آل عمران/ ٤٨)

...

- «وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا» (مريم/ ١٦)
- «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا» (مريم/ ١٧)
- «قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَانِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» (مريم/ ١٨)
- «قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا» (مريم/ ١٩)
- «قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا» (٢٠)
- «قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَىٰ هَيْنٍ وَنَجْعَلُهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا» (مريم/ ٢١)
- «فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا» (مريم/ ٢٢)
- «فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا» (مريم/ ٢٣)
- «فَنَادَتْهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا» (مريم/ ٢٤)
- «وَهَزِي إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا حَنِئًا» (مريم/ ٢٥)
- «فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَمَا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَانِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا» (مريم/ ٢٦)
- «فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا» (مريم/ ٢٧)
- «يَأْخُذُ هَرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوْءًا وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا» (مريم/ ٢٨)
- «فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا» (مريم/ ٢٩)
- «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ءَاتَنِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» (مريم/ ٣٠)
- «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (مريم/ ٣١)
- «وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» (مريم/ ٣٢)
- «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا» (مريم/ ٣٣)

٦ منابع

قرآن کریم.

١. ترجمه فولادوند.
٢. عهدین، ترجمه قدیم.
٣. شمیسا، سیروس (۱۳۸۶ ش)، نقد ادبی (ویرایش دوم)، تهران: تابش، چاپ: ۲.
٤. پرینس، جرالده؛ ترجمه شهباء، محمد (۱۳۹۵ ش)، تهران، مینوی خرد، چاپ: ۲.



COMSTech Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia

۵. احمدی، بابک (۱۳۸۰ ش)، ساختار و تأویل متن، تهران: نشر مرکز، چاپ: ۱۳.
۶. عباسی، علی (۱۳۹۵)، روایت‌شناسی کاربردی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ: ۲.
۷. اشرفی، بتول؛ تاکی، گیتی؛ بهنام فر، محمد (۱۳۹۴)، «تجزیه و تحلیل داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم بر اساس نظریه پراپ و گریماس»، دو ماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۶، ش ۷، صص ۲۳-۵۲.
۸. ترکمانی، حسینعلی؛ شکوری، مجتبی؛ مهیمنی، مازیار (۱۳۹۶)، «تحلیل روایت‌شناختی سوره نوح بر مبنای دیدگاه رولان بارت و ژرار ژنت»، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال ۵، ش ۳.
۹. صالح‌نیا، مریم (۱۳۹۴ ش)، «قدسیّت و ساختار، جستاری در روایت‌شناسی تطبیقی متون قدسی»، تهران، نگاه معاصر
۱۰. صدقی، حامد؛ گنج‌خانلو، فاطمه (۱۳۹۵)، «تحلیل ساختار روایی داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا بر پایه الگوی روایی گریماس»، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال ۴، ش ۳.